

موسیقی و دیدگاه اسلام



حکم موسیقی و جایگاه آن و بررسی ویژگی‌های حرمت موسیقی از نظر اسلام، با استناد به آیات قرآن کریم و روایات، موضوع یادداشتی است که شهید دکتر محمد بهشتی (در مرکز اسلامی هامبورگ) در پاسخ به سؤالاتی پیرامون این موضوع بیان کرده است. کتاب ماه هنر، از فرزندان ایشان، آقای علیرضا بهشتی که مطلب حاضر را در اختیار این ماهنامه قرار دادند، سپاسگزاری می‌نماید.

رساله جامع علوم انسانی

می‌زدند تا مردم خیردار شده و جهت معامله با قافله حضور یابند. عده‌ای تنها برای تماشا و سرگرمی و عده‌ای نیز جهت کسب و تجارت به سمت کاروان می‌شتافتند که البته امروزه نیز از چنین شیوه‌ای استفاده می‌شود. اما از این آیه حرام بودن موسیقی و حتی حرام بودن لهو مستفاد نمی‌شود و در واقع می‌توان گفت که این آیه در صدد این است که بگوید چرا اینها نماز پیغمبر را ترک کردند و رفتند. همین طور که نمی‌شود گفت تجارت حرام است.

در چندین آیه دیگر از قرآن کریم از لهو به صورت کنایه نکوهش شده است و نمی‌شود گفت که از هیچ یک از این آیات حرمت و حرام بودن لهو استفاده می‌شود. و در آیاتی دیگر کلمه اللغو آمده است که بعضی از فقیهان لغو را به معنای لهو معنی کرده‌اند که در این آیات نیز از لغو نکوهش شده است اما حرام بودن لهو استفاده نمی‌شود. در سوره مومنون، آیه سوم در صفحات مؤمنان آمده

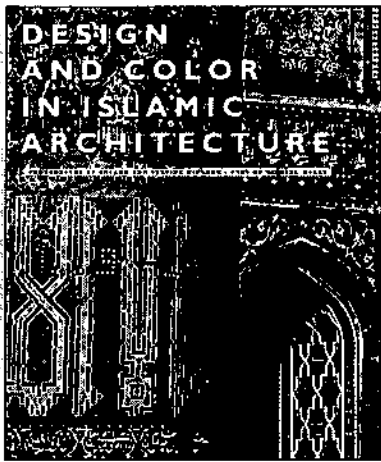
می‌رسید، جهت تماشای بساط طرب و یا معامله با کاروانیان قبل از رسیدن دیگران به این قافله تجاری به آنجا می‌رفتند. در واقع برای اینکه فرصتی از کف نرود از پای خطبه پیامبر که در نماز جمعه ایراد می‌نمود پاشده می‌رفتند. این آیه در انتقاد نسبت به این افراد است که قل ما عندالله خیر من اللهو و من التجارة و الله خیر الرازقین. شما نباید به عنوان تجارت، کارهای تجاری و یا تفریح و سرگرمی از پای خطبه پیغمبر در نماز جمعه بلند شوید و بروید، زیرا که خداوند در سنت‌های خود برای مردم با ایمان و درستکار پاداشی مقدر و مقرر کرده است که به مراتب از سودی که از حضور در مراسم شادی و طرب و یا لهو و سرگرمی یا پیشدستی در تجارت یا کاروان تازه رسیده نصیب شما می‌شود بیشتر است. مفسرین، اغلب گفته‌اند که منظور از لهو در اینجا، همان صدای شیبور و نقاره و طبل و مانند اینها بوده است که کاروان‌های تجاری معمولاً به هنگام ورود به شهر

قبل از توضیح درباره موسیقی و نظر اسلام در این مورد، لازم است به این نکته اشاره کنم که در آیات قرآن کریم و در روایات، کلمه موسیقی یا موزیک و معادل آن از کلمات عربی سراغ ندارم. فقیهان ما هنگام بحث درباره حکم موسیقی در اسلام، مطلب را تحت عنوان حکم غنا در اسلام از یک طرف و همچنین حکم آلات لهو از طرف دیگر مطرح می‌کردند. در کتاب‌های فقهی در یک جا بحث درباره غنا و در کنار آن بحث درباره آلات لهو دیده می‌شود.

کلمه لهو در قرآن کریم آمده است و در چندین جا، در سوره جمعه این آیه را شنیده‌اید که: *وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا* انفضوا اليها و ترکوک قائما (آیه ۱۶ سوره جمعه) به عنوان انتقاد از روش گروهی از مسلمان‌های سست ایمان باید گفت موقع نماز جمعه، زمانی که پیغمبر مشغول خطبه بود، اگر صدای ساز در بیرون مسجد بلند می‌شد و یا صدای طبل کاروان تجاری از بیرون مکه به گوش اینها



طرح و رنگ در معماری اسلامی



اسلام می‌شود گفت که هر نوع آوازه خوانی و هر نوع موسیقی که شنونده را به ارتکاب فسق و فجور و اعمال خلاف عصمت و پاکی و تقوی بی‌پروا می‌کند، و در ارتکاب گناه، خدا و قانون خدا و تعالیم پیامبران و رعایت ارزش‌های عالی انسانی را فراموش کند حرام است. اما آوازه‌خوانی‌ها و موسیقی‌های دیگر را نمی‌شود گفت که به‌طور مسلم در اسلام حرام شده‌اند.

توجه کنید که حتی کلمهٔ لَهو چقدر با این نوع موسیقی مناسب است و همچنین کلمه لغو. در کلمات فقیهان آمده است: اللّهُ ما... عن ذکر الله. لَهو آنی است که آدمی را از یاد خدا غافل می‌کند. اینکه از یاد خدا غافل می‌کند، یعنی یک مرحلهٔ خاصی از غفلت از یاد خدا را می‌خواهد بگوید. مرحله‌ای که آدم با ایمان هر وقت با گناهی روبه‌رو می‌شود، بالغزشی برخورد می‌نماید، خود به خود به یاد خدا می‌افتد و اینکه خدا گفته نکن، اینکار حرام است پس نکنم. این حالتی است که برای انسانی با ایمان در مواجهه با گناه به دست می‌آید و یکی از ضامن‌های مؤثر در حفظ پاکی و فضیلت در مردم است.

اصولاً یکی از مهمترین ارزش‌های ایمان، ایمان پلیس باطن است. یعنی حتی در تنهایی نیز اگر با گناهی روبه‌رو شود ایمان بر او نهیب می‌زند، ایمان درونی و وجدان الهی بر او نهیب می‌زند که خدا ناظر اعمال تو می‌باشد، نکن، این توجه از مهمترین ارزش‌های تربیتی دینی است. بنابراین آن نوع موسیقی و آوازه‌خوانی که این توجه را در انسان ضعیف کند تا حدی که در مواجهه با گناه، یادش برود که خدایی هست و بی‌پروا به گناه دست یازد و با شوق و رغبت به گناه آلوده شود، البته حرام خواهد بود. به نظر من اگر حتی هیچ آیه‌ای یا روایتی هم در این باره نمی‌بود و فقط ما بودیم و تعالیم اسلام و تعالیم ادیان دربارهٔ ارزش ایمان و به ما می‌گفتند آیا این نوع موسیقی حرام است یا نه، استنباط می‌کردیم که حرام است.

خلاصه کنیم که اگر نوع موسیقی در شنونده این اثر را بگذارد که در ارتکاب گناه بی‌پروا شده، از یاد خدا غافل شود، و یاد خدا آنقدر برایش ضعیف شود که نتواند او را از گناه باز دارد و این ضعف رابطه مستقیمی با این نوع موسیقی داشته باشد حرام است که این را می‌توان نظر قطعی اسلام دانست. پس به هر نوع خواندن و نواختن که این اثر را نداشته باشد آیا به صرف اینکه خوانندگی و نوازندگی است می‌شود گفت حرام است یا نیست، مورد تردید است. قدر مسلم این است که از مسلمات اسلام نیست و به حساب رأی همهٔ علمای اسلام و فقیهان اسلامی و حتی رأی همه فقیهان شیعی هم نمی‌شود آن را گذاشت.

است: والذین هم عن اللغو معرضون. آنهایی که از لغو یعنی از لَهو اعراض می‌کنند، لغو یعنی بیهوده، لَهو یعنی سرگرمی، یعنی آنهایی که از بیهوده روی می‌گردانند در آیه ۷۲ سوره فرقان در صفات... پاک گفته می‌شود: والذین لایشهدون الزور واذا مروا باللغو مروا کراماً. آنها که به باطل شهادت نمودند یا اینکه در مجالس باطل شرکت نمی‌کنند، وقتی از کنار لغو می‌گذرند با بزرگواری از کنارش می‌گذرند. همچنین در آیه ۵۵ سوره قصص نیز آمده: واذاسمعوا اللغو اعرضوا عنه. وقتی که لغو به گوش آنها می‌خورد اعراض کرده و روی بر می‌گردانند. در این آیات، خواه لغو به معنی لَهو باشد و خواه معنای مستقلی داشته باشد، ظاهر مطلب این است که از این آیات هم حرمت موسیقی استفاده نمی‌شود. بنابراین می‌شود گفت که در آیات قرآن کریم، آیه‌ای را که بتوان از آن حرمت موسیقی و به‌طور کلی حتی حرمت لغو و غنا را به دست داد، دیده نمی‌شود.

اما در مورد روایات، روایات بسیاری در مورد غنا داریم، که کم و بیش بر حرمت غنا اشاره دارد. روایاتی هم به آلات طرب و آلات لَهو اشاره کرده است که این روایات هم کم و بیش بر حرام بودن استفاده از این وسایل دلالت می‌کند که این روایات هم در بیان کتاب‌های شیعه و هم کتاب‌های اهل سنت وجود دارد. به‌طور اجمال باید بگوییم از این روایات به دست می‌آید که غنا و همچنین استفاده از آلات طرب از قبیل تار، تنبک و امثال اینها حرامند. البته بعضی از فقیهان این طور فهمیده‌اند که این روایات به‌طور کلی به حرام بودن تاکید ندارد، بلکه این روایات می‌خواهد بگوید این بساط مجالس لَهو و لعب، این بساط خوشگذرانی که در زمان امامان و پیشوایان اسلامی در خانه‌های حکام، فرمانداران، صاحبان ثروت و قدرت معمول بوده‌اند، حرام است یعنی آن سبک موسیقی و مجالس عیاشی که در زمان پیشوایان دینی ما در خانه‌های اشراف معمول بوده، در واقع این مجالس، مجالسی بوده است که خوانندگی به عنوان نمک آش استفاده می‌شده است. مجالس عیاشی و فسق و فجور و ترانه‌هایی که مشوق به کارهای حرام و گناه بوده است.

بنابر این باید گفت، که هر آوازه‌خوانی حرام نیست، هر نوازندگی حرام نیست. آن نوع خوانندگی و نوازندگی که حاضران و شنوندگان را به گناه کشانده و اهتمام آنها را به رعایت قوانین پاکی و تقوی ضعیف می‌کند و اراده آنها را برای خود داری از گناه سست می‌کند و به شرکت در فساد تشویق می‌کند حرام است و در غیر آن نمی‌تواند حرام باشد. این رأی عده‌ای از فقیهان و دانشمندان از روایات است. پس دربارهٔ موسیقی در

در طول قرن‌ها معماران و هنرمندان مسلمان تلاش کرده‌اند تا نمونه‌هایی زیبا از هنرهای تزئینی و هندسی بی‌مانند ایجاد کنند.

کتاب حاضر با عنوان طرح و رنگ در معماری اسلامی به بررسی هشت قرن هنر کاشیکاری پرداخته است. عکس‌های زیبایی ارائه شده در این کتاب، اغلب مربوط به هنرمندانی است که نام و نشانی از آنها در دست نیست. آثاری که نشان‌دهنده کاربرد زیبا و هماهنگ نقشه، رنگ و طرح می‌باشد. عکس‌های به کار گرفته شده در این کتاب (بیش از یکصد و پنجاه عکس رنگی) توسط رولند و سابرینا می‌چاود و توضیحات ارائه شده توسط مایکل باری با تأکید بر زیبایی‌ها و سنت‌های معماری و تاریخی اسلامی، کتابی در خور فراهم کرده است.

این کتاب مصور، سعی بر آگاهی دادن و ارائه یک تحقیق و پژوهش هنری مکتوب از هنر کاشیکاری در آسیاست.

مجموعه حاضر در سپتامبر ۱۹۹۶ منتشر شده است. Vendome pr; ISBN:0865659753